

آینده پژوهی کنترل کنش‌های جمعی برانداز با تأکید بر ناآرامی‌های شهری

جعفر حسین پور^۱

اسماعیل کرم زاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۲/۰۹

نشریه علمی آفاق امنیت / سال سیزدهم / شماره چهل و ششم - بهار ۱۳۹۹

چکیده

امروزه در جامعه شاهد گسترده‌تر شدن اشکال مختلف کنش‌های جمعی برانداز هستیم که نسبت به گذشته ماهیت آنها متفاوت‌تر شده است. اعتصابات، تجمع، طومارنویسی، کشف حجاب، ناآرامی‌های اجتماعی، مخالفت مدنی، موج‌سازی و بسیاری از کنش‌های اجتماعی تحت تأثیر پیش‌ران‌های داخلی و خارجی صورت می‌گیرد. بسیاری از کنش‌های اجتماعی شکل آرام و نیمه‌آرام دارند، اما ارزش‌ها و هنجارهای نظام جمهوری اسلامی را هدف قرار داده که نیازمند شناخت، تحلیل و کنترل آنها است که در این تحقیق به دنبال شیوه‌های کنترل کنش‌های اجتماعی آینده با استفاده از روندپژوهی هستیم. روش تحقیق این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی در قالب فوکوس گروپ (گروه‌های کانونی) و تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس فرایند روندپژوهی است. جامعه آماری پژوهش شامل: خبرگان نظامی و انتظامی، استادان دانشگاهی و صاحب‌نظران مباحث حوزه‌های کنش‌های جمعی و خبرگان آینده‌پژوهی است. براساس یافته‌های پژوهش برآمده از نظر خبرگان و نخبگان، کنش‌های جمعی آینده برآمده از قدرت تسلط بر افکار و ذهن مردم و به‌خصوص جوانان و نوجوانان خواهد بود، که از آن به قدرت نرم تعبیر می‌شود. تغییر مسالمت‌آمیز یکی از سیاست‌های امریکا علیه نظام جمهوری اسلامی است که با استفاده از ترویج سبک زندگی غربی منجر به تغییر فرهنگی نسل جوان، منجر به تغییر فرهنگ راهبردی ما و در نهایت تغییر حاکمیت خواهد شد. زمانی که نهادهای مرجع نسل جوان در آن سوی مرزها قرار داشته باشند، عملاً ما نمی‌توانیم کنترلی بر آن نهادهای مرجع و افرادی که از آن متأثر هستند داشته باشیم. در واقع کلان روندها نشان می‌دهد مهم‌ترین عامل کنش‌های جمعی آینده رقابت بر سر تسلط بر افکار و ذهن مردم خواهد بود و به‌طور مسلم بهترین روش کنترل این کنش‌ها نیز می‌بایست بر اساس کنترل و نفوذ نرم بر اذهان و افکار مردم شکل گیرد تا بتوان بر دشمن چیره شد.

واژگان کلیدی

آینده‌پژوهی؛ کلان روندها؛ کنش‌های جمعی؛ کنترل کنش‌های جمعی

۱. دانشیار گروه ارتباطات دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

es.karam.po@gmail.com

۲. نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

مقدمه

کنش‌های جمعی یک برساخته اجتماعی است که با تغییر بستر اجتماعی، برداشت از آن و شکل آن نیز تغییر می‌کند؛ لذا دیگر صرفاً بر مبنای عوامل تعریف نمی‌شود، بلکه بر عوامل غیرمادی مثل هنجارها، گفت‌وگوها، دانش و اطلاعات نیز متکی است که باعث پیچیدگی و چندبعدی شدن کنش‌های اجتماعی در اشکالی همچون اجباری، نهادی، مولد، ساختاری، رابطه‌ای، نرم، هوشمندانه و غیره می‌شود که این اشکال در ارتباط با یکدیگر و مکمل هم بوده است.

تحقیق در خصوص دلایل، زمینه‌ها و عوامل ایجادکننده کنش‌های جمعی برانداز، همواره یکی از چالش‌های مهم امنیتی بوده، که یکی از دلایل آن، سیالیت و مبهم‌بودن نظریات مطروحه پیرامون کنش‌های اجتماعی است. چه اینکه با توجه به شرایط متفاوت بروز و پیدایی یک کنش اجتماعی در نظام‌های مختلف، الگوهای نظری ارائه‌شده، فاقد شاخص‌های فراگیری بوده و عموماً توان پردازش ابعاد خاصی از پدیده کنش اجتماعی را دارد. بر این اساس، پردازش ابعاد خاصی از پدیده کنش اجتماعی را دارد. بر این اساس، پرداختن به مقوله کنش‌های جمعی برانداز، دلایل بروز، زمینه‌های ایجاد و تشدید و بسترهای مقوم این مقوله، امروزه جزء ضرورت‌های مهم در عرصه کارکرد علمی اندیشمندان اجتماعی، سیاسی و امنیتی است.

در خصوص کنش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی و علل شکل‌گیری و تحولات اجتماعی آنها پژوهش‌های متعددی انجام شده است؛ برای مثال (گودرزی، آیت (۱۳۹۱)، امین صارمی، نودر، (۱۳۹۰)). اما پژوهش‌های انجام‌شده درخصوص کنش‌ها و ناآرامی‌های گذشته، بر اساس تحلیل‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بوده است و تاکنون روش آینده‌پژوهی و روندپژوهی کنش‌های جمعی آینده مورد تحقیق قرار نگرفته است.

یکی از روش‌های آینده‌پژوهی، تحلیل روند می‌باشد که شامل تغییرات منظمی است که تحولات آینده جامعه را تحت تأثیر قرار خواهد داد. شناسایی و تحلیل آینده‌پژوهی کلان روندها، تأثیر آن برکنش‌های جمعی برانداز، چرایی و چگونگی و روش‌های کنترل آنها مورد بحث این مقاله است.

امروزه در جامعه شاهد گسترده‌تر شدن اشکال مختلف کنش‌های جمعی برانداز هستیم، که نسبت به گذشته ماهیت آنها متفاوت‌تر شده است. اعتصابات، تجمع، طومارنویسی، کشف حجاب، ناآرامی‌های جمعی، مخالفت مدنی، موج‌سازی و بسیاری از کنش‌های جمعی تحت تأثیر پیش‌ران‌های داخلی و خارجی صورت می‌گیرد. بسیاری از کنش‌های جمعی شکل آرام و نیمه‌آرام دارد اما ارزش‌ها و هنجارهای نظام جمهوری اسلامی را هدف قرار



داده است که نیازمند شناخت، تحلیل و کنترل آنها است.

شناسایی جهت‌گیری‌ها و دورنمای آینده کنش‌های جمعی؛ تدوین پیش‌ران‌ها و روندهای تأثیرگذار بر آن، آمادگی همه‌جانبه در برابر کنش‌های جمعی آینده و شیوه‌های کنترل آن، از جمله اهداف این مقاله است که مستلزم آینده‌پژوهی کنترل کنش‌های جمعی است که با استفاده از روندپژوهی و شناخت روندهای تأثیرگذار بر آن صورت می‌پذیرد و از آنجا که ناآرامی‌های شهری متأثر از این کنش‌ها است، در این تحقیق به دنبال شیوه‌های کنترل آینده آن با استفاده از روندپژوهی هستیم.

پیشینه پژوهش

۱. امین صارمی، نوذر (۱۳۹۰) در رساله دکتری با عنوان: "بررسی تحولات کنش‌های کارگری" به چند موضوع پرداخته است. این رساله در پی بررسی و تبیین تحولات کنش‌های کارگری چند دهه اخیر ایران و نقش عوامل ساختاری در آن بوده است. نتایج تحقیق نشان داده در دهه‌های اخیر مذاکره و حل اختلافات، رواج بیشتری یافته است. کنش‌های گذشته از نظر سیاست معطوف به رهایی طبقه کارگر و مبارزه با استثمار بوده است؛ اما کنش‌های جدید به زندگی و کسب هویت می‌پردازد.

۲. گودرزی، آیت (۱۳۹۱)، "ناآرامی‌های اجتماعی، عوامل و فرایند آنها"، رساله دکتری، یافته‌های این تحقیق بر اساس نظریه اسلمسر انجام شده است که یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد: ۱. کنش‌های اعتراض‌آمیز دارای یک توالی زمانی معینی هستند که از کنش‌های خفیف شروع و به کنش‌های شدید ختم می‌شوند. ۲. اغلب رفتارهای جمعی اعتراض‌آمیز، هیجانی، طغیان‌گرایانه و عصیان‌اند. ۳. وقوع کنش‌های اعتراض‌آمیز و رفتارهای بحران‌زا، مستلزم فراهم‌بودن برخی شرایط است. آن شرایط از نظر اسلمسر عبارتند از: شرایط ساختاری، فشار ساختاری، اهداف تعمیم‌یافته، عوامل تسریع‌کننده و بسیج معترضان. ۴. حکومت و نهادهای آن، حتی در شرایطی که بستر و زمینه برای وقوع کنش‌های بحران‌زا فراهم است، می‌توانند با بهره‌گیری از روش‌ها و سازوکارهای مختلف (از جمله عملیات روانی) مانع از وقوع آن کنش‌ها شوند؛ یا در صورت وقوع آن نوع کنش‌ها، می‌توانند از استمرار و تشدید آن جلوگیری کنند.

۳. ایمان، محمدتقی و دانش پورجم، (۱۳۸۳)، "بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به رفتار جمعی"، دانشگاه علامه طباطبایی: یافته‌های این تحقیق بر اساس تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که میزان استفاده از اینترنت، جنسیت و میزان تماشای تلویزیون به‌عنوان مهم‌ترین متغیر ظاهر شده‌اند که در مجموع توانسته‌اند ۱۵/۱



درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند. به‌طور کلی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان استفاده از اینترنت قوی‌ترین رابطه مثبت را با تمایل به رفتار جمعی دارد و پس از آن میزان استفاده از تلویزیون و سن، رابطه معکوس با رفتار جمعی دارند.

۴. ناآرامی‌های جمعی: عوامل و فرایندها آن (مطالعه موردی ناآرامی‌های جمعی تهران، مشهد و تبریز). در این تحقیق بین مشارکت سیاسی قانونی و فعالیت اعتراضی رابطه‌ای مفروض است و همچنین محقق تلاش می‌کند مدل تبیینی برای اعتراض سیاسی ترسیم نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت مرسوم تأثیر نسبتاً زیادی بر اعتراض سطح پایین داشته است؛ اما در اینجا مسیری مستقیم از تأثیر هر یک از انواع مشارکت‌های قانونی و متعارف بر اعتراض رادیکالی وجود نداشت.

نوآوری مقاله

نوآوری این مقاله عبارت است از: ۱. پیشنهادی‌های ذکر شده در خصوص ناآرامی‌های گذشته است؛ در حالی که این مقاله به کنش‌های جمعی برانداز در آینده و روندهای تأثیرگذار آن پرداخته است. ۲. روش تحقیق این مقاله کیفی با استفاده از روند پژوهی است در حالی که در پیشنهادها بیشتر کمی می‌باشد. ۳. در این مقاله به روندهای تأثیرگذار بر کنش‌های جمعی پرداخته شده، در حالی که در پیشنهاد براساس نظریه‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی به علل وقایع و ناآرامی‌های رخ داده پرداخته شده است.

مفاهیم

کنش‌های جمعی

کنش‌های جمعی عبارت‌اند از الگوهای رفتاری بی‌ساختار، خودانگیخته، هیجانی و پیش‌بینی‌ناپذیر و هنگامی رخ می‌دهند که روش‌های مرسوم و سنتی برای انجام کارها مناسب و کافی نباشد (بروس کوئن^۱، ۱۳۸۱: ۳۲۳).

در نوشتار حاضر هر جا سخن از کنش‌های جمعی برانداز به میان آید، مراد آن دسته از رفتارهایی است که به‌صورت نمایان (آشکار) از سوی گروهی از مردم به وقوع می‌پیوندد، ماهیتی هیجان‌محور دارد، حداقل با برخی از قواعد و قوانین جاری حکومت در تعارض است و نظم موجود را، حتی اگرچه در مقیاسی محدود، دچار اختلال می‌سازد.

آینده پژوهی

روشی است برای شناخت آینده‌های بدیل به‌منظور پیش‌بینی علمی آینده و



برنامه‌ریزی در راستای آنچه با روش‌های مختلفی صورت می‌گیرد که تحلیل روند و سناریونویسی از جمله روش‌های متداول آن است.

کلان‌روند

کلان‌روندها عبارت‌اند از: تغییرات منظم در داده‌ها در خلال زمان. روندها بر اساس این پیش‌فرض که تغییرات در جهان دارای پیوستگی تاریخی است، شکل می‌گیرند.

تحلیل روند

تحلیل روند، روش مناسبی برای آزمون پابرجایی سیاست‌ها و شناسایی مسائل در حال ظهور است. تشخیص و شناسایی روندها و برون‌یابی روندهای موجود به سمت آینده، یکی از روش‌های اصلی در این رویکرد است. تمرکز اولیه بر رویدادهایی است که احتمال به وقوع پیوستن بالایی در جهان بیرون از سازمان داشته و سپس تأثیر این رویدادها بر سازمان بررسی می‌شوند.

ناآرامی‌های شهری

مفهوم ناآرامی‌های شهری، عنصری از یک شیوه خاص در ساختن واقعیت جمعی است. همه جوامع اعم از شرقی و غربی در طول چند سال گذشته، تقریباً همیشه با انواع ناآرامی‌های شهری از جمله ناآرامی‌های کارگری، ناآرامی‌های زنان، اسلام‌گراها، و... روبرو بوده‌اند. لذا می‌توان گفت وجود ناآرامی‌های شهری به یک بخش کم‌وبیش عادی از زندگی جمعی و سیاسی جهان در دوران مدرن تبدیل گشته است (مشیرزاده، ۱۳۸۱).

انواع کنش‌های جمعی

آرام: کنش‌هایی که در آن جمعیتی به صورت مسالمت‌آمیز و بدون ابزار خشونت در پی اهداف خاصی در حوزه‌های مختلف (سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی، فرهنگی و...) و به دنبال یاریگیری و حرکت‌های جمعی خاصی هستند.

نیمه‌آرام: کنش‌هایی که ظاهراً به صورت مسالمت‌آمیز و بدون ابزار خشونت‌آمیز شکل می‌گیرد و به تدریج به دلیل ابراز مواضع تند و افراطی می‌تواند رنگ‌وبوی خشونت و ازدحام و درگیری بگیرد.

ناآرام: کنش‌هایی هستند که از همان ابتدا به قصد خشونت و درگیری شکل می‌گیرد و بخشی یا اکثر جمعیت، دارای ابزارهای خشونت‌آمیز و سلاح‌های گرم و سرد هستند.



مبانی نظری

کنش‌های جمعی

بر اساس تعاریف گسترده و متنوع نظریه‌پردازان در مورد پدیده کنش‌های جمعی، نمی‌توان اصول یکپارچه را در مورد کنش‌های جمعی مطرح کرد؛ اما می‌توان برای تمام کنش‌های جمعی ویژگی‌های خاص و مشترکی را نام برد. در واقع این ویژگی‌ها وجه تمایز این پدیده با سایر پدیده‌ها است. بیشتر نظریه‌پردازان از ۴ حیث به بررسی کنش‌های جمعی می‌پردازند:

۱. شبکه‌های غیررسمی تعامل: کنش جمعی‌ها دارای شبکه‌های تعامل غیررسمی میان افراد، گروه‌ها یا سازمان‌های مختلف هستند. این شبکه‌ها در ویژگی‌هایی همچون پیوندها، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؛ مثلاً برخی از شبکه‌ها پیامدهای سست و پراکنده و برخی دیگر، شبکه‌ای پیچیده و درهم‌تنیده دارند. وجود چنین شبکه‌هایی گردش منابع مورد نیاز عمل جمعی را فراهم می‌آورد.

۲. اهداف معین: کنش‌های جمعی اهدافی معین دارند.

۳. ایدئولوژی و ارزش‌ها و مبانی اعتقادی مشترک: آن چیزی که سبب تعامل هر جمعی می‌باشد، احساس تعلق و نیاز مشترک است که ریشه در باوری مشخص دارد. در واقع می‌توان گفت که کنش‌های جمعی مواضع جدیدی را در مورد موضوعات روز اتخاذ می‌کنند؛ حتی این توانایی را دارند که موضوعات جدید را در بستر جامعه مطرح کنند. از استعدادهای بالقوه کنش‌های جمعی، تولید واژگان جدید و ارائه ایده‌ها و عملکردهایی است که ویژگی خلاقیت و نوآوری دارند.

۴. برنامه‌ریزی: کنش جمعی با هدف بهبود وضع گروهی از مردم، در صورتی می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد که برای مردم مشخص کند دقیقاً به دنبال ایجاد چه تغییراتی است. چه برنامه‌هایی نظیر تحسن‌های بدون خشونت، تظاهرات آرام، تظاهرات خشونت‌آمیز، تخریب اموال عمومی و دولتی و ترور و... برای رسیدن به این اهداف متنوع در نظر دارد.

۵. منازعات جمعی: عاملین و نقش‌آفرینان کنش‌های جمعی برای اینکه تغییرات اجتماعی مدنظر را در سطح سیستمی یا غیرسیستمی اعمال کنند یا به مخالفت با آن برخیزند، به درگیری در منازعات سیاسی یا فرهنگی مبادرت می‌کنند. پیش‌نیاز بروز هر منازعه اجتماعی، درک متفاوت بازیگران از همدیگر در یک حوزه مشترک است. اما منافع و ارزش‌هایی برای هر یک از طرفین وجود دارد که دارای اهمیت است و همین منافع و ارزش‌ها آنها را گرد هم می‌آورد. از پیش‌نیازهای وقوع هر منازعه، تعارض بر سر منافع است. در طی تعامل هر یک از بازیگران درگیر، دعای سلبی یا تقاضایی را مطرح



می‌نمایند که اگر تحقق یابند منافع بازیگران دیگر را سلب می‌نمایند.

۶. انواع شیوه‌های اعتراضی: تأکید اولیه در بحث‌های ابتدایی مربوط به جنبش‌های اجتماعی بر ماهیت غیرنهادینه رفتار کنشگران بود.

برخی نیز بر این باورند که کنش‌های جمعی را می‌توان به دلیل انتخاب الگوهای غیرمعمول رفتار سیاسی از دیگر بازیگران عرصه سیاست متمایز ساخت. بسیاری از نظریه‌پردازان بر این باورند که تفاوت بنیادین کنش جمعی‌ها و دیگر بازیگران اجتماعی و سیاسی از تفاوت میان شیوه‌های متعارف مشارکت سیاسی (نظیر رأی دادن یا اعمال نفوذ بر نمایندگان سیاسی) و اعتراض عمومی نشئت می‌گیرد.

بررسی عوامل شکل‌گیری کنش‌های جمعی برانداز

کنش‌های جمعی برانداز را می‌توان گونه‌ای از جنبش‌های اجتماعی در نظر گرفت که در قالب آنها براندازان تلاش می‌کنند تا برخی از عوامل محیط پیرامون را به کنترل خویش درآورند. محیط شهری خود شامل بافت فیزیکی، سخت‌افزاری، ساختار اجتماعی شهر و روندهای سیاسی حاکم بر فعالیت‌های اجتماعی است.

مشاهده الگوهای سازماندهی این کنش جمعی‌ها حاکی از آن است که الگوهای سازماندهی گاه می‌تواند فرایندی رو به بالا و یا از بالا به پایین باشد؛ به گونه‌ای که در فرایندی که سازماندهی، از بالا به پایین صورت می‌گیرد و شبکه‌های فعال میان شرکت‌کنندگان در جنبش‌های شهری ایجاد می‌شود، گاه کمیته‌هایی را مشاهده می‌کنیم و در مواردی حتی سازماندهی‌هایی در سطح شهری نیز صورت می‌گیرد. یکی دیگر از موارد مشاهده شده در خصوص شیوه‌های سازماندهی، سازماندهی‌های رسمی است. در گونه قبلی شاهد سازمان‌های غیررسمی مردمی هستیم، اما در این شیوه، خبرنامه‌هایی تحت‌عنوان فعالیت‌های رسانه‌ای توزیع می‌شود و حتی مراکز محلی به‌منظور ارتباط با مشارکت‌کنندگان در کنش جمعی‌ها ایجاد می‌شود. آفت این قبیل سازماندهی‌ها یعنی سازماندهی‌های از بالا به پایین بروکراتیزه شدن آنها است (کاسلز^۱، ۱۹۸۳: ۲۳).

از دیگر ویژگی‌های اغلب جنبش‌های شهری، توانایی عبور از مرزها و لایه‌های اجتماعی است. این کنش جمعی‌ها توانایی ایجاد برهم‌کنش‌هایی میان افراد مختلف جامعه را دارند. ضمن آنکه کنش جمعی‌هایی نیز رقم می‌خورد که تنها توانایی جذب عده محدودی از اقشار جامعه را دارد. به‌عنوان مثال می‌توان به کنش جمعی رانندگان یا کنش جمعی کارگران یک کارخانه خاص اشاره نمود. (اسچامیکر^۲، ۱۹۷۵)

اهداف ناآرامی‌های شهری ناشی از کنش‌های اجتماعی معمولاً مشخص، واضح و به‌دور از ابهام است. این کنش‌های جمعی‌ها معمولاً متأثر از مشکلات محیط پیرامون است و یا به‌منظور اعتراض و یا تغییر برنامه‌ریزی‌های نادرست برای حل یک مشکل خاص ظهور می‌یابد. به‌طور مثال، کنش‌های جمعی‌هایی در اعتراض به برنامه‌ریزی‌های نادرست اقتصادی در آمریکا در دههٔ چهل میلادی و یا کنش‌های جمعی‌هایی که در اعتراض به تعاملات سیاسی غلط و همچنین قوانین برخلاف مصلحت عرف و... شکل گرفت (فدر^۱، ۱۹۸۵).

در مطالعات انجام شده به‌منظور بررسی موفقیت‌های جنبش‌های شهری این نتیجه حاصل شده است که: نتیجهٔ جنبش‌های شهری ترکیبی از موفقیت‌ها و شکست‌ها بوده است؛ اما می‌توان گفت که تقریباً همهٔ آنها در طیفی از اثرگذاری بوده‌اند و در واقع یکی از پررنگ‌ترین اثرات آنها تأثیرگذاری بر روند برنامه‌ریزی‌های مربوط به تهیه و تحلیل اطلاعات و یا مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها به انحاء گوناگون بوده است.

باید اشاره کرد که گونه‌های مختلفی از پیروزی برای کنش‌های جمعی‌ها حاصل می‌آید که در نسبت با اهداف مختلف آنها تعریف می‌شود. برخی پیروزی‌ها را می‌توان در سطح تأثیرگذاری و آگاهی‌بخشی و برخی دیگر را پیروزی‌های حزبی نام‌گذاری کرد. به‌عنوان مثال می‌توان به جنبش‌های صورت گرفته برای حذف یک برنامه اشاره کرد که در نهایت به حذف برنامه منجر نمی‌شود، اما رانت‌هایی را برای بنیان‌گذاران و طراحان کنش جمعی در انجام پروژه فراهم می‌آورد.

عوامل زمینه‌ای وقوع کنش‌های جمعی برانداز

به‌منظور پیشگیری از بروز جنبش‌های شهری آسیب‌زا و همچنین کنترل آنها، شناخت عوامل زمینه‌ای مؤثر که به بروز این قبیل کنش‌های جمعی‌ها منجر می‌شود بسیار مهم است. قبل از وقوع جنبش‌های شهری رویدادهایی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی روی می‌دهد که به بروز تنش‌هایی از سوی افراد منجر می‌گردد که نهایتاً به وقوع جنبش‌های شهری می‌انجامد (راچت^۲، ۱۹۹۴: ۴ - ۶۱؛ کریسی^۳، ۱۹۹۵: ۳۰۳ و کیچلت^۴، ۱۹۸۶). این سؤال مطرح می‌شود که چطور نهادهای سیاسی، احزاب و اشخاص، زمینه‌ای برای بروز کنش‌های سیاسی و اجتماعی، توسط هر دو طیف مردم و مسئولین فراهم می‌سازند.

کریسی و همکارانش در سال ۲۰۰۵ معتقد به این هستند که نوع ساختار دولت از حیث عواملی نظیر تمرکز و عدم‌تمرکز سازمانی و دسترسی‌های فردی و مردمی، بر

1. Feder
2. Rachet
3. Kreesy
4. Kechlet



چگونگی بروز کنش جمعی‌ها و همچنین چگونگی کنش‌ها و نتایج ناشی از بروز این کنش جمعی‌ها تأثیرگذار است. با توجه به موضوع فوق باید این نکته را در نظر داشت که میزان دسترسی مردم به تغییر در ایجاد سیاست‌ها در حیطه گسترش و میزان عمق دسترسی و اینکه آنها چقدر باور داشته باشند که می‌توانند بر روی سیاست‌ها اثرگذار باشند، بر چگونگی ظهور و بروز کنش‌ها و در ادامه حیات کنش جمعی‌ها تأثیرگذار است.

ابزارهای دموکراسی نظیر حق انتخابات و رأی‌گیری و مشارکت سیاسی تعداد احزاب سیاسی، برگزاری رفراندوم‌ها و طرح‌های مربوط به دموکراسی مستقیم، همگی بر تعداد کنش جمعی‌ها و شکل ظهور و شبکه‌های بروز آنها تأثیرگذار است (آمنتا، کارن و اولاسکی^۱، ۲۰۰۵).

جزء دیگر از بسترهای سیاسی مؤثر، بروکراسی‌های دولتی و همچنین قوانین و مقررات و ظرفیت‌های رویارویی و مقابله با کنش جمعی‌ها است. مطالعات انجام شده از سوی کریسی و همکارانش در سال ۱۹۹۵ نشان می‌دهد که سطح بالای سرکوب به احتمال زیاد مانع از بروز جنبش‌ها می‌شود؛ اما تأثیر سطوح پایین سرکوب مشخص شده نیست (کریسی، ۱۹۹۵).

دلا پورتا و ریتر (۱۹۹۸) استدلال می‌کنند که اگر دولت در استفاده از اقدام‌های سرکوبگرانه در رویارویی با کنش جمعی‌ها ناموفق باشد، به این معنی که دست به ممانعت بیشتر زده و از سرکوب‌های شدید ممانعت نماید، احتمال بروز جنبش‌های مسالمت‌آمیز اعتراضی و تاکتیک‌های این‌چنینی افزایش می‌یابد. از طرف دیگر اگر در رویارویی با جنبش‌های اعتراضی مسالمت‌آمیز از حرکت‌های سرکوبگرانه و خشونت‌بار استفاده شود و نتیجه مد نظر حاصل نگردد، این جنبش‌های اعتراضی نیز از حالت مسالمت‌آمیز خارج شده و دست به رفتارهای خشونت‌بار می‌زنند (دلاپورتا و ریتر، ۱۹۹۸).

از شیوه‌هایی که دولت برای خنثی‌سازی تهدیدات ناشی از جنبش‌های اجتماعی برای خود به کار می‌برد، رسمی‌سازی کنش جمعی‌ها است. مثالی از این نوع عملکرد را می‌توان اقدامات مخفی دولت امریکا برای سرکوب جنبش‌های چپ و راست در دهه ۱۹۶۰ نام برد (کانینگهام، ۲۰۰۵).

رسانه‌های معاصر در همان مقطع اعلام کردند که ممکن است این شیوه از برخورد با جنبش‌های شهری در آینده نیز به کار گرفته شود و به طور فزاینده گسترش یابد. تحقیقات انجام شده توسط اسکات (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که سرکوب دولتی انجام شده بر کنش‌ها در امریکا و ژاپن، در نهایت به سازماندهی و بروز رفتارهای ستیزه‌جویانه توسط مشارکت

کنندگان منجر شد. از مشاهده نتایج این تحقیق در میان اندیشمندان در مورد موضوع سرکوب جنبش‌های اجتماعی و دیگر شیوه‌های کنترل اعتراض، بینشی ایجاد شد مبنی بر اینکه، برای تشریح و توضیح شیوه‌های تعاملی میان طرفداران مقامات و دیگر کنشگران نیاز به تجربه و تحلیل ساختاری عمیق در مورد عوامل شکل‌دهنده، زمینه بروز جنبش‌های شهری است.

پیشتر نشان داده شد که به‌کارگیری رویکرد تعاملی و پویا برای درک زمینه‌های سیاسی دارای اهمیت است. اما تحلیل‌های جدید نشان می‌دهد که سازوکار و سامانه مدیریت مذاکرات در میان رهبران اعتراضات و دولت ناکارآمد بوده است. به همین سبب تاکتیک‌های سرکوب گسترده در بسیاری از کشورهای غربی افزایش یافته است و روندهای پیشین به سمت شیوه‌های خشن و راهبردهای پلیسی مقابله تغییر یافته است. شیوه به‌کارگیری توأمان هر دو روش فوق، یعنی هم مقاومت در برابر بروز تنش‌ها و چالش‌ها از طرف مدافعان تغییرات اجتماعی، هم مدیریت این قبیل عملکردها، تأثیرگذار و تأثیرپذیر از زمینه‌های سیاسی محیط اطراف می‌باشند (دل‌پورتر، پیترسون و ریتز، ۲۰۰۷).

بررسی‌های انجام شده در مورد تاثیر بسترهای سیاسی و شرایط حاکم بر محیط سیاست بر کنش جمعی‌ها نوعی اثر دوسویه می‌باشد؛ به این نحو که هم زمینه‌های سیاسی بر ظهور و بروز کنش جمعی‌ها و چگونگی شکل‌گیری آنها تأثیرگذار است، هم خود کنش جمعی‌ها می‌تواند بر سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلان تأثیرگذار باشد. بسیاری از مطالعات صورت پذیرفته نشان می‌دهد که اکثر قریب به اتفاق جنبش‌های شهری تمایل دارند تا به جنبش‌های اجتماعی و تغییرات اجتماعی منجر شوند (برستین ان اوهرنر، هولاندر، گیوگنی، ۱۹۹۸ و پیون وکلوارد، ۱۹۷۹).

به عبارتی باید گفت: ناآرامی‌های شهری توسط بسترها، زمینه‌ها و نیروهای مختلفی که متأثر از شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌باشند قرار می‌گیرد. در این بین قدرت سیاسی نهاد‌های اجتماعی و مدرن و چگونگی توزیع ثروت در جامعه، به روی این کنش جمعی‌ها تأثیرگذار است. عوامل فوق همچنین در مرحله زمینه‌سازی و تشویق به بروز و ادامه کنش‌ها، همچنین شیوه‌ها و چگونگی ایجاد و حیات کنش جمعی‌ها و چگونگی برخورد با آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از عوامل مهم به‌منظور کنترل ناآرامی‌های شهری، شناسایی بسترهای بروز کنش، مراحل ظهور و بروز، جهت رویارویی صحیح و درست می‌باشد. تحقق این مهم باعث می‌شود تا چگونگی رویارویی از حیث سرکوب، نرمش و یا تساهل و تسامح، مشخص شود (مک‌کارتی و کالجیوس، ۱۹۹۱).



پلیس و خطمشی‌های رویارویی با ناآرامی‌های شهری

در پژوهش‌های انجام شده توسط دلاپورتا و همکارانش به بررسی رابطه میان پلیس و معترضین و تجزیه و تحلیل آن پرداخته شده است. طبق این تحقیقات باید یک نقش میانجی و مجزا برای پلیس در ساختار فرصت‌های سیاسی در نظر گرفت. آنها بر این باورند که نوع رویارویی پلیس با جنبش‌های ناشی از کنش‌های شهری، با سامانه و نظام سیاسی حاکم بر آن جامعه مرتبط است. آنها در مقدمه این کتاب خود الگویی را معرفی می‌کنند که به‌طور مستقیم تحت‌تأثیر ساختار فرصت‌های سیاسی حاکم بر جامعه است. فرصت‌های سیاسی پایدار و ناپایدار و تأثیر آنها بر روی شیوه مواجهه با کنش جمعی‌ها و شکل مواجهه، تماماً به بصیرت و دانش و سیطره علمی پلیس در هوشیاری شناخت فرصت‌های سیاسی بستگی دارد. اینکه پلیس از نقش خود و واقعیت‌های بیرونی چه ادراکی دارد، تأثیر بسیاری در موفقیت عملکرد پلیس دارد. این موضوع یعنی ادراک از محیط و شرایط نیز، متأثر از تصویری است که آنها از مسئولیت‌ها و اختیارات و هم از چالش‌های بیرونی پیش روی محیط پیرامون خود دارند. سطح کنترل به‌کارگرفته شده توسط پلیس در مواجهه با جنبش‌های ناشی از کنش‌های شهری، تأثیرپذیری بسیار زیادی از ادراک آنها و دید آنها نسبت به موقعیت و شرایط و همچنین تصمیم درست دارد. به این معنا که پلیس با توجه به شرایط کنونی و تصویری که از آن وجود دارد، و همچنین برداشت‌ها، ادراکات و تصویرها چه تصمیمی را تصمیم درست می‌داند. بنابراین می‌توان گفت تصمیم‌گیری پلیس در مورد کنش جمعی‌ها بر اساس ساختار فرصت‌های سیاسی است که این موضوع نیز به دانش پلیس بستگی دارد. لذا در این شرایط مقوله تاب‌آوری یا همان داشتن خصیصه سعه صدر توسط پلیس بسیار مهم است؛ چراکه در صورت نبود این مهم، احتمال اتخاذ تصمیم صحیح کاهش می‌یابد (دلاپورتا، پیترسون و ریتر، ۲۰۰۷).

جیگوانی نیز از ساختار فرصت‌های سیاسی برای بررسی نتایج و پیامدهای جنبش‌های اجتماعی استفاده می‌کند. به‌عبارتی دیگر تأثیری که ساختار فرصت‌های سیاسی و کنش جمعی‌ها بر روی خطمشی‌ها می‌گذارند. خطمشی‌گذاران و همه کسانی که در حل و فصل کنش‌ها و جنبش‌های شهری تأثیرگذار هستند، باید مطالعه شیوه‌های تعامل پلیس با سایر شهروندان را اولویت اول خود قرار دهند. در برخی مباحث مربوط به نظریه‌های مدیریت دولتی، پلیس به‌عنوان نیروهای بروکرات سطح خیابان که نفرات اول تعامل با مردم شناخته می‌شوند، در نظر گرفته می‌شود. بروکرات‌های سطح خیابان هم به اجرای خطمشی‌ها می‌پردازند و هم خود در کسوت خطمشی‌گذاران حوزه جنبش‌های شهری واقع می‌شوند.

تأثیر ناآرامی‌های شهری بر عملکردها و واکنش‌های پلیس

در ادبیات جامعه‌شناسی، سبک‌های مختلف رویارویی پلیس مورد بررسی واقع شده است. گریتی مارکس با دیدگاهی پدیدارشناسانه کنش‌های مختلف و متمایز پلیس را بر اساس هدف و انگیزه تقسیم‌بندی می‌نماید:

ایجاد یک تصویر نامطلوب از مخالفان؛

جمع‌آوری اطلاعات و ایجاد محدودیت در دسترسی به منابع مورد نیاز جنبش؛

سست و بی‌انگیزه کردن سران جنبش؛

تحریک تضادها و تعارض‌های درونی میان رهبران و اعضای جنبش؛

مبادرت به انجام خراب‌کاری و اقدامات خاص؛

تحقیقات نشان می‌دهد که با توجه به رویکردهای تاریخی در دوره‌های زمانی مختلف، سه حوزه‌ی راهبردی اصلی برای کنترل جنبش‌های شهری مطرح است: (دلاپورتر، پیترسون و ریتر، ۲۰۰۷)

الف. راهبردهای برخورد جبری؛

مثالی از این‌گونه راهبردها می‌توان به استفاده از سلاح و نیروی فیزیکی برای کنترل و متفرق کردن کنشگران اشاره کرد.

ب. راهبردهای متقاعدکننده

شیوه‌ی عمل این راهبرد، برقراری ارتباط و تعامل به‌منظور کنترل این کنش‌ها با برگزارکنندگان و رهبران فعالان و سازمان‌دهندگان این قبیل کنش جمعی‌ها است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توسعه‌ای - کاربردی است. روش پژوهش تحلیلی - توصیفی در قالب فوکوس گروپ (گروه‌های کانونی) است. جامعه آماری این پژوهش تعداد ۳۱ نفر از خبرگان انتظامی و اساتید دانشگاهی و صاحب‌نظران مسلط به مباحث حوزه‌های کنش‌های جمعی و خبرگان آینده‌پژوهی در سطح ملی با حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد بود. حجم نمونه، منطبق بر جامعه آماری تعیین گردید که روش انتخاب حجم نمونه به دو عامل بستگی دارد:

۱. اولویت و توانمندی اعضای جامعه

۲. در دسترس بودن و تمایل به همکاری آنان

که بر این اساس تعداد ۱۰ پانل خبرگی برگزار گردید.



ابزار گردآوری داده‌ها

۱. اسنادی و کتابخانه‌ای و ۲. روش میدانی (پانل خبرگی و مصاحبه) استفاده شد که در روش کتابخانه‌ای و اسنادی با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای تخصصی و آرشیوهای موجود در کشور برحسب آشنایی محقق با آنها یا با معرفی خبرگان، آنچه که به موضوع تحقیق و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن مرتبط تشخیص داده شد با کپی برداری، یادداشت‌نویسی و در صورت امکان، تهیه یک نسخه از آن، گردآوری گردید. به برخی منابع نیز از طریق جستجو در اینترنت و پایگاه‌های مختلف آن دسترسی حاصل شد و در فعالیت‌های میدانی ۱۰ پانل با خبرگان، صاحب‌نظران و کارشناسان برگزار شد. با برخی صاحب‌نظران، برای دریافت بهره‌گیری بیشتر از بینش و نگرش آنان و همچنین تکمیل اطلاعات، رفع ابهامات و اشکالات در مطالب و نوشته‌های قبلی، مصاحبه صورت پذیرفت و نتایج حاصله در جریان تحقیق مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر اساس فرایند روندپژوهی به شرح ذیل است:

۱. استنباط روندهای اصلی از رویدادها و آمارهای سامانه؛

۲. توصیف و تحلیل روندهای اصلی؛

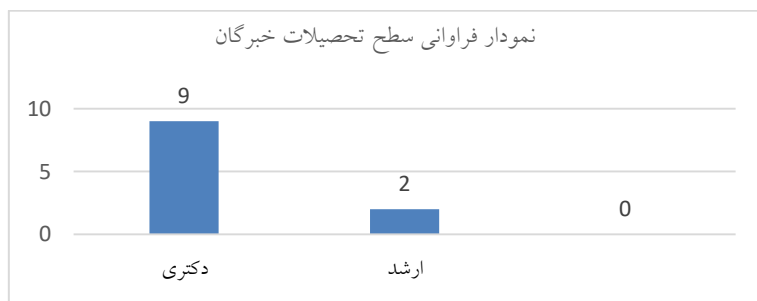
۳. بررسی پیامدهای هر یک از روندهای اصلی؛

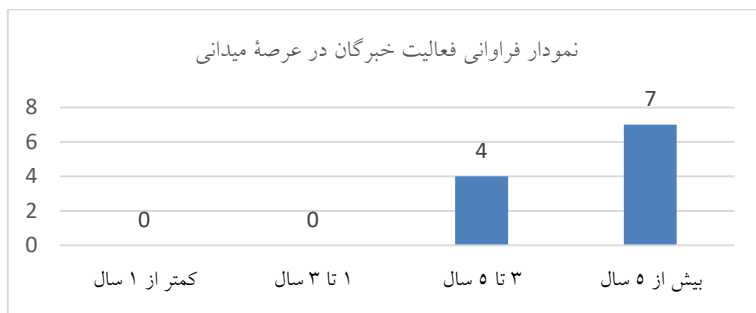
۴. ارایه فرضیه درباره آینده و دورنمایی؛

۵. ارایه روش‌های کنترل کنش‌های جمعی آینده.

نتایج گام اول: تحلیل و توصیف خبرگان پانل

در این تحقیق ابتدا به‌منظور تشکیل پنل خبرگی، خبرگان در سه حوزه آینده‌پژوهی، جامعه‌شناسی، انتظامی و کنش‌های جمعی شناسایی شد و برای شرکت در پانل از آنها دعوت به عمل آمد که تحلیل و توصیف خبرگان به‌صورت نمودار به شرح ذیل است:





توضیح: همان طور که در نمودار مشاهده می‌شود از ۱۱ نفر شرکت‌کننده در پانل، ۹ نفر دارای مدرک تحصیلی دکتری و ۲ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند و همچنین تعداد ۷ نفر از خبرگان بالای ۵ سال و ۴ نفر بین ۳ تا ۵ سال سابقه میدانی در عرصه کنترل کنش‌های جمعی دارند.

نتایج گام دوم: شناسایی کلان‌روندهای اصلی

با استفاده از تشکیل گروه‌های کانونی و نظریه‌های خبرگی، کلان‌روندهای اصلی مؤثر بر کنش‌های جمعی شناسایی شدند که عبارت‌اند از:

۱. نقش فزاینده گروه‌های مرجع اجتماعی - فرهنگی در هم‌گرایی و واگرایی مردم - حاکمیت اگر در دهه‌های گذشته به‌ویژه در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ جوانان تحت‌تأثیر نهادهای مرجعی چون روحانیت، استادان و شخصیت‌های نام‌آشنا و تأثیرگذار دانشگاهی، روزنامه‌نگاران برجسته، هنرمندان رسانه‌های رسمی، خانواده‌ها و مانند این‌ها بودند، اکنون دیگر چندان مرجعیتی برای این نهادها باقی نمانده است. دلایل این موضوع البته پرشمار است. از آن میان می‌توان به دلایلی چون روند جهانی‌شدن، گسترش ارتباطات و فناوری‌های نوین، رشد و بهره‌گیری از نرم‌افزارهای پیام‌رسان و شبکه‌های اجتماعی مجازی چون تلگرام، اینستاگرام اشاره کرد. روند دگرگونی گروه‌های مرجع که روندی فزاینده است، بر حوزه‌های شش‌گانه اجتماعی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فناوری و زیست‌محیطی، به ترتیب اولویت نیز اثرگذار خواهد بود. با شکل‌گیری گروه‌های مرجع جدید در حال حاضر نیز می‌توان چشم‌انداز مطالبات سیاسی آینده را مشاهده کرد. تغییر تعاریف اولیه هویتی نسبت به دوست و دشمن در کنار تفاوت دیدگاه‌ها به ارزش‌های مورد حمایت نظام سیاسی سبب می‌شود تا شکافی شناختی در قبال امور سیاسی شکل گرفته و در نتیجه، امکان فرسایش نیروهای داخلی در مسیر هم‌گرایی افزایش می‌یابد.



دومین مسئله اجتماعی و سیاسی که هم‌سو با دگرگونی مرجعیت اجتماعی تغییر شکل می‌دهد، مسئله بسیج عمومی است. توانایی بسیج اجتماعی شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های مرجع جدید را در یکی دوسال اخیر بارها مشاهده کرده‌ایم. حال اگر این افراد به دنبال خواست‌های سیاسی خود باشند، می‌توانند بسیج اجتماعی گسترده‌ای را سبب‌ساز شوند؛ لذا احتمال تحرک اجتماعی اعتراضی چه به صورت مجازی و چه در شکل سنتی و عملی آن سیر صعودی به خود خواهد گرفت.

هنگامی که حوزه سیاسی - اجتماعی از این روند متأثر شود، طبیعی است که تغییر مسالمت‌آمیز اگر سیاست اصلی غرب نباشد، حتماً یکی از مؤثرترین شیوه‌ها خواهد بود. با توجه به شکل‌گیری این روند فزاینده، تغییر فرهنگی نسل جوان به تغییر فرهنگ راهبردی ما و در نهایت تغییر حاکمیت منجر خواهد شد. زمانی که نهادهای مرجع نسل جوان در آن سوی مرزها قرار داشته باشند، عملاً ما نمی‌توانیم کنترلی بر آن نهادهای مرجع و افرادی که متأثر از آن هستند داشته باشیم. البته حتی اگر نپذیریم که اعتراضات عمومی با نیت امنیتی روی دهند نیز نمی‌توان این فرضیه را رد کرد؛ که در چنین شرایطی احتمال فعالیت جریان‌های خراب‌کار بیگانه زیاد خواهد شد.

۲. روند افزایش فرقه‌ها و عرفان‌های کاذب و تضعیف بنیان‌های معرفتی خانواده

عرفان‌ها و فرقه‌های نوظهور در یک نگاه کلی جامعه هدف خود را همه مردم قرار داده‌اند. برخی از گروه‌ها همچون جوانان، دانشجویان، و به‌ویژه گستره‌ای از بانوان و دختران در خط مقدم جامعه هدف عرفان‌های کاذب بوده‌اند. بین صاحب‌نظران بر سر میزان تأثیر رسانه‌ها اتفاق نظر جامعی وجود ندارد. برخی از آنها بر این باور هستند که رسانه‌ها تأثیری شگرف، قوی، بی‌بدیل و بی‌رقیب بر اندیشه و رفتار مخاطبان بر جای می‌گذارند. در حالی که، برخی دیگر از نظریه‌پردازان بر «اثر تعدیل‌یافته رسانه‌ها» معتقدند. از نظر آنان عوامل و متغیرهای فردی، محیطی و اجتماعی قادرند تأثیرات رسانه‌ها را دستخوش تغییر سازند. بدون شک شبکه‌های اجتماعی در بستر اینترنت از جدیدترین و مؤثرترین انواع ابزارهای نوین در راستای اطلاع‌رسانی و شکل‌دهی به اذهان بوده است؛ ترویج افکار و اعتقادهای عرفان‌ها و فرقه‌های نوظهور با توجه به روند فزاینده نفوذ شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی تعمیق یافته است که با افزایش سرعت انتشار اطلاعات در این فضا، فعالیت‌ها نیز ادامه خواهد یافت. به‌عنوان نمونه، دعوت جوانان تحت‌عنوان کلاس‌های رزمی، جلسات عرفانی، مذهبی، فرهنگی و... زمینه‌سازی برای عضوگیری در برخی از این فرقه‌ها است.

به نظر می‌رسد برخی از عوامل شکل‌گیری این روند، بر بستر نفوذ فرهنگ خارجی (هم غربی هم بودایی و...) باشد، اما دلایل داخلی نیز برای گسترش این روند عنوان شده است.

علل و عوامل رشد تشکل‌ها و انجمن‌های انحرافی را چنین می‌توان بیان کرد:
 دوری تبلیغات از حکمت و اندیشه‌ورزی و دخالت خرافات و بدعت‌ها در حوزه دین؛
 خلأ قانونی و مشخص نبودن حدود مرز فعالیت این گروه‌ها؛
 عدم انسجام و هماهنگی برای برخورد کارشناسانه و قانونی با این تشکل‌ها؛
 نابسامانی و مشکلات اجتماعی و فرهنگی و فشارهای روحی و روانی افراد در جامعه؛
 عوامل سیاسی و تاریخی؛
 بدعت در مناسک دینی و عزاداری‌های مذهبی؛
 رواج برخی ورزش‌های خاص در جامعه مانند یوگا و...؛
 بروز رفتارهای گناه‌آلود و ناپه‌نجا در جامعه؛
 گسترش فناوری و سرویس‌های اطلاع‌رسانی و آسانی امکان دسترسی به اطلاعات این
 تشکل‌ها؛
 افزایش فعالیت فرقه‌های وارداتی و نومعنویت‌گرایی.

۳. افزایش مطالبات هویتی و قومیتی و پیامدهای آن بر محیط انتظامی آینده

فعالیت دشمن در زمینه ایجاد بحران و منازعه قومی در ایران را می‌توان به دو بخش اقدامات سخت و اقدامات نرم دسته‌بندی کرد. در حوزه اقدامات سخت دشمن با پشتیبانی سیاسی، اقتصادی، نظامی و لجستیکی از بعضی اقوام، به دنبال ایجاد منازعه بین آنها با یکدیگر و با نظام سیاسی است تا بتواند با اعمال فشار، خواسته‌های نامشروع خود را بر نظام سیاسی تحمیل سازد؛ اما در بخش اقدامات نرم که به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی از سوی دشمنان شاهد آن هستیم، دشمن به دنبال تغییر فضای ذهنی و روانی قومیت‌ها است. در این شیوه دشمن با روش‌ها، ابزارها و تاکتیک‌های متنوع جنگ نرم به‌ویژه در قالب جنگ رسانه‌ای به دنبال ایجاد فضای بدبینی، یأس، ناامیدی و بی‌اعتمادی نسبت به نظام سیاسی در ذهنیت اقوام ایرانی است، تا ضمن ایجاد شکاف‌های اجتماعی در ایران هویت قومی را در برابر هویت ملی و اسلامی قرار دهد.

حوزه سیاست و جامعه بیشترین اثرپذیری را از این روند خواهند داشت. با این مقدمه می‌توان موارد زیر را به مثابه پیامدهای مشهود روند برشمرد:

- سطحی‌نگری و فقدان رویکرد تخصصی به موضوعات سیاسی از نخستین پیامدها به‌شمار می‌رود. این سطحی‌نگری که در میان چهره‌های قومیتی متولد می‌شود. در میان جامعه نیز گسترش یافته و با توجه به ضعف تعامل دوجانبه در فضای مجازی سبب نسخه‌برداری ناآگاهانه و سطحی از سوی مخاطبان نوجوان و جوان می‌شود.
- امر سیاسی و اجتماعی، یک پدیده چندجانبه و پیچیده است. با این حال در بسیاری



از موضع‌گیری‌های قومیتی می‌بینیم که یک‌جانبه‌گرایی به‌شدت موج می‌زند. در نتیجه نگاه تک‌عاملی در میان جامعه گسترش یافته و پیچیدگی ذاتی سیاست، نادیده گرفته می‌شود. در نتیجه نبود چندجانبه‌گرایی مفهومی و علی، افکار عمومی نیز در پی راه‌حل‌های ساده‌انگارانه و سطحی خواهد بود.

- سومین و شاید یکی از خطرناک‌ترین پیامدهای این روند، ایجاد و تشدید شکاف «شهروند - سیاست‌مدار» است. افزایش شکاف در الگوهای فکری سیاسیون با آنچه در جامعه می‌گذرد، نه‌تنها از قدرت پاسخ‌گویی او خواهد کاست، بلکه شکست طرح‌ها، تصمیمات و اقدامات یک شخصیت یا جریان سیاسی سبب افزایش بی‌اعتمادی عمومی به آن شخص یا جریان خواهد شد.

- زمانی که شاهد موج‌سازی و جریان‌سازی فکری و رفتاری قومیتی در سطح جامعه هستیم، باید به فکر یک الگو یا مکانیسم کنترل و هدایت اجتماعی جدید نیز باشیم. به‌عبارت دیگر ظرفیت بالای تحرک سیاسی - اجتماعی این چهره‌ها، توان مضاعفی برای رقابت می‌طلبد. از سوی دیگر نباید فراموش کرد که آموزش و پرورش، خانواده و مذهب نیازمند بازبینی جدی در الگوهای تربیتی خود هستند تا نسل نوجوان و جوان را برای ورود به این امواج اجتماعی آماده کنند.

- پیامد مهم دیگر این است که، هرچه مرجعیت اجتماعی و نقش‌آفرینی سیاسی - قومیتی افزایش پیدا کند، برخورد امنیتی و قانونی با آنها برای تخلفاتی که انجام می‌دهند هزینه‌های بیشتری را در بر خواهد داشت؛ چراکه ابزار لازم (رسانه‌های اجتماعی) برای تحت‌الشعاع قرار دادن و زیر سؤال بردن آن، اقدام قانونی را در اختیار دارند.

- تغییر در الگوی جوانان و نوجوانان و تشدید عرفی‌شدن جامعه و دوری از الگوهای انقلابی از پیامدهای دیگر افزایش جایگاه اجتماعی چهره‌ها است.

۴. افزایش آسیب‌های نوپدید برآمده از پدیده‌های سرگرم‌ساز

در ارزیابی یک روند نه‌تنها باید به تعریف، پایداری، قلمرو و حوزه تأثیرگذاری آن روند پرداخت، بلکه ارتباط آن روند با دیگر روندها نیز باید مورد توجه قرار گیرد. روند دگرگونی حوزه سرگرمی و مخرب‌تر شدن انواع سرگرمی در دو سطح بر روندهای کنونی کشور تأثیر دارد:

در سطح نخست، ارتباط مستقیمی میان این روند و دو حوزه آموزش و هویت‌سازی وجود دارد. از ورزش و مطالعه گرفته تا رسانه، سفر و فعالیت‌های هنری به نوبه خود بخشی از بار آموزش را برعهده گرفته‌اند. بنابراین ارتباطی نزدیک میان سرگرمی‌های مردم خصوصاً کودکان و نوجوانان با شیوه و محتوای آموزش‌پذیری آنها وجود دارد. دومین مورد



نیز به هویت و شکل‌دهی به آن از طریق سرگرمی اشاره می‌کند. سرگرمی‌ها در عمل تصویرسازی کرده و از طریق این تصویرسازی و سیر داستانی، آنها دست به مفهوم‌سازی (واژه‌گزینی) می‌زنند. پس از این که روند گفتمان‌سازی رخ داد، نوبت به تعریف مسئله و ارائه راه‌حل خواهد رسید که از طریق بازی‌ها روی می‌دهد. در کلام ساده‌تر، این سرگرمی‌ها و بازی‌ها هستند که به انسان می‌فهمانند که کیست و چگونه جهان را می‌فهمد و در مقابل مسائلش باید چگونه اقدام کند.

سطح دوم ارتباطی با روندهای محیطی به ارتباط با امنیت داخلی و حتی خارجی جمهوری اسلامی ایران باز می‌گردد. به بیان دیگر تغییر هویت و سبک زندگی مردم نه تنها بی‌اعتمادی به نظام سیاسی را افزایش داده، بلکه خشونت و درگیری‌های عمومی را نیز در سطوح مختلف دستخوش تغییر می‌کند. در سطح بین‌المللی نیز شاهد نفوذ و رخنه اطلاعاتی و حتی جاسوسی سایبری از طریق بازی‌ها و سرگرمی‌های دیگر هستیم. ترس از یک عکس گرفته شده توسط یک پهپاد جاسوسی، قطعاً باید کمتر از ده‌ها و صدها هزار عکسی باشد که در بازی‌های شبکه‌ای جدید از سطح شهرهای ایران گرفته شده و در آرشیوهای اطلاعاتی دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران ذخیره می‌شود. سفر توریست‌های خارجی یا جاسوسی از ایرانیان گردشگر در دیگر کشورها، گردآوری اطلاعات مربوط به شبکه‌های اجتماعی ایران، برآورد رویکرد سیاسی شهروندان ایرانی از طریق رفتار آنها در اینترنت و از میان بردن بدبینی جوانان به غرب (به‌ویژه آمریکا) تنها گوشه‌هایی از تهدیدات امنیتی ناشی از تغییر و تحول در جهان سرگرمی ایرانی‌ها است.

۵. روند فزاینده فرصت‌ها و چالش‌های شبکه‌های اجتماعی در بسیج منابع و نیروهای کنشگر محیط مجازی آینده محیطی است چندرسانه‌ای و شبکه‌ای که فرامکانی و فرازمانی، جذاب، متنوع و در دسترس همگان است که همراه با دیجیتالی‌زده شدن در تمام عرصه‌ها با هم‌گرایی رسانه‌های گوناگون و همچنین واگرایی نهاد رسانه ملی و کاهش کنترل اجتماعی و افزایش سواد رسانه‌ای و رایانه‌ای مردم، با پیچیدگی فراوانی همراه می‌شود که در آن حجم بالای اطلاعات موجود منتقل می‌شود (انفجار اطلاعات) و مخاطب در آن گزینشگر و کنشگر است. یکی از مهمترین تأثیر این روند بر کنش‌های جمعی برانداز، افزایش تعاملات گروه‌های اپوزیسیون در فضای دارکنت با انگیزه ایجاد شورش‌های ناگهانی عمومی و ایجاد چالش‌های فرسایشی در برابر نظام می‌باشد.

اقبال کاهنده عمومی به مرجعیت خبری و فرهنگی نهادهای حاکمیتی و افزایش نقش آفرینی شبکه‌های اجتماعی مجازی در مرجعیت خبری و رسانه‌ای، دامن زدن به شایعات و تردید در دستاوردهای ارزشمند حاکمیتی؛



افزایش کارزارهای جریانی، قومی یا زبانی در برابر راهپیمایی‌ها، تظاهرات و پوشش‌های حاکمیتی در سالیان اخیر؛
تغییر نظام ارزشی به نظام‌های ارزشی خارج از حاکمیت مانند مدرنیزاسیون، کامجویی و رفاه‌طلبی و دنیاخواهی در برابر آرمان‌خواهی و آخرت‌طلبی؛
بروز برخی خلاءهای سیاست‌ورزی در پی نبود احزاب قدرتمند و شاخص و نبود پاسخگویی مطالبات بر زمین مانده مردم؛
وجود فساد، رانت و رشوه در دستگاه‌های اداری و تخصیصی تر شدن جرم‌های آینده در حوزه‌های اداری؛
تلاش برای فرار یا دور زدن وظایف عمومی اعم از عدم ارائه آمار دقیق در نظرسنجی‌ها، آمارگیری‌های دولتی، سربازی، و حتی پرداخت مالیات و تعهدات مالی.

نتایج گام سوم: ارزیابی کلان‌روندها

در این مرحله با استفاده از نظر خبرگان کلان‌روندها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

ردیف	عنوان روند	پیش‌ران‌ها	پیامدهای منفی در کنش‌های جمعی برانداز
۱	نقش فزاینده گروه‌های مرجع جمعی - فرهنگی در هم‌گرایی و واگرایی مردم - نظام	- گسترش ابعاد و جنس گروه‌های مرجع شبکه‌های اجتماعی - نفوذ نرم دشمنان خارجی و هدایت کنش‌های جمعی با استفاده از گروه‌های مرجع	- توانایی بسیج جمعی شبکه‌های جمعی و گروه‌های مرجع جدید - تغییر سبک زندگی - شکاف شناختی در قبال امور سیاسی - افزایش تحرک جمعی اعتراضی (مجازی و واقعی) - تولید ارزش‌های جدید برای جوانان در تضاد با ارزش‌های اسلامی و انقلابی
۲	افزایش مطالبات هویتی و قومیتی و پیامدهای آن بر محیط انتظامی آینده	- متراکم شدن شکاف‌های قومی و مذهبی - محرومیت و عدم توجه به مطالبات هویتی و قومیتی - افزایش ناامیدی و سرخوردگی - شکل‌گیری جهان شبکه‌ای و جهانی شدن محلی‌گرایی‌ها	- گسترش احساس ناامنی - افزایش خطر خشونت و فعالیت‌های تروریستی - کاهش مشارکت سیاسی - تقویت جریان‌های جدایی‌طلب و حتی جنگ داخلی
۳	افزایش آسیب‌های نوپدید برآمده از پدیده‌های سرگرم‌ساز	- گرایش روبه‌رشد به نرم‌افزارهای بازی‌ساز و استفاده از فناوری‌های ارتباطی	- شکسته شدن قیبح برخی از ضدارزش‌ها - خشونت بی‌محابا و غیرانسانی - انزوای هویتی و تمدنی ایران - به‌سرخه گرفتن تمدن اسلامی - ترویج روابط جنسی آزاد
۴	روند فزاینده فرصت‌ها و چالش‌های شبکه‌های جمعی در بسیج منابع و نیروهای کنشگر	- افزایش فناوری‌های ارتباطی - افزایش نقش‌آفرینی شبکه‌های جمعی مجازی در مرجعیت خبری و رسانه‌ای	- افزایش بهره‌گیری مجرمان از فضای مجازی و نشر اخبار دروغ و شایعات - اقبال کاهنده عمومی به مرجعیت خبری و فرهنگی نهادهای حاکمیتی

نتایج گام چهارم: راییه فرضیه‌ها (کلان‌روندهای مؤثر در کنترل کنش‌های جمعی)

۱. رشد شتابان، ناموزون و غیرقابل کنترل شبکه‌های جمعی و فضای مجازی (از نظر نوع و سطح خدمات، ضریب نفوذ، محتوا، اثرگذاری و...) و احاطه آن بر باورها، افکار، رفتار و



حتی ساختارها، و دسترسی مستقیم مردم به منابع اطلاعاتی و ارتباطی فرامرزی، به ظهور عرصه‌های جدید کنش‌های جمعی شهری در آینده (آرام، نیمه‌آرام و ناآرام) منجر خواهد شد؛ که این امر موجب تسریع فرایند تبدیل کنش‌های جمعی، از صنفی به جمعی و جمعی به امنیتی و به تبع آن پیچیده‌تر شدن کنترل آنها خواهد شد.

۲. اطلاعات و مطالبات مردم روند فزاینده خواهد داشت و دولت و نظام باوجود افزایش سطح خدمات و رفاه، توان پاسخ‌گویی کافی را نخواهد داشت. کنترل این کنش‌ها در آینده صرفاً محدود به حوزهٔ یگان ضدشورش نخواهد بود، بلکه کنترل آنها می‌بایست از راهبردهای سخت به راهبردهای نرم و هوشمند تغییر یابد.

۳. حضور اثرگذار برخی چهره‌های خاص (ورزشی و هنری و...) داخل و خارج کشور در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی جامعه نقش بسیار مهمی در هدایت یا کنترل کنش‌های جمعی خواهد داشت. زمانی که شاهد موج‌سازی و جریان‌سازی فکری و رفتاری مشاهیر در سطح جامعه هستیم، باید به فکر یک الگو یا مکانیسم کنترل و هدایت جمعی جدید نیز باشیم.

۴. روند افزایش فرقه‌های انحرافی و ضددینی و تضعیف معرفتی خانواده‌ها در آینده ادامه خواهد داشت، که قربانی اصلی آن جوانان و به‌خصوص دختران برای ترویج اباه‌گری و مفاسد اخلاقی است؛ که برخی از کنش‌های جمعی نظیر پدیدهٔ ری‌استارت و اغتشاش و حمله به مراکز دینی و مساجد، چهارشنبه‌های سفید، جلسات شیطان‌پرستی و مظاهر بی‌دینی و... را، می‌توان از پیامدهای گسترش این پدیده دانست.

یافته‌ها

پاسخ به سوال اصلی: شیوه‌های مدیریت و کنترل کنش‌های جمعی آیندهٔ شهری

به‌طور کلی کنش‌های جمعی آینده را می‌توان به سه دسته آرام، نیمه‌آرام و ناآرام تقسیم کرد. اما همان‌طور که از نتایج این تحقیق و کلان‌روندهای به دست آمده برمی‌آید، مدیریت و کنترل ناآرامی‌های شهری در برههٔ کنونی متفاوت‌تر از گذشته است. به نظر می‌رسد کنش‌های جمعی از حالت فیزیکی و خشونت‌آمیز خارج شده (همچنان که اکنون این اتفاق در حال وقوع است) و به‌سوی موجی شدن، نرم، مجازی و غیرقابل مشاهده بودن حرکت می‌کند. وجود مشکلات فرهنگی عدیده که اکثراً ناشی از تهاجم فرهنگی است، وجود دشمنان قسم خورده و... در کنار انتقال سریع اطلاعات ناشی از وجود نرم‌افزارهای اینترنتی و شبکه‌های جمعی مانند تلگرام و اینستاگرام و...، بستر بروز بحران را به‌گونه‌ای دیگر رقم زده است. با توجه به نتایج این تحقیق، شیوه‌های کنترل کنش‌های جمعی در

آینده می‌بایست برای کنترل پیامدهای کلان‌روندهایی باشد که در بخش‌های قبل به آن اشاره شد.

کنش‌های جمعی آینده در روندهایی شکل می‌گیرند که پیچیدگی آن روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شود. نمونه‌های این کنش‌های جمعی شهری را می‌توان در گسترش عرفان‌های کاذب در کشور، وقوع فراخوان‌های مجازی به بهانه‌های مختلف، اقدام به هتک حرمت مراکز مذهبی، تغییر آرام فرهنگ جامعه به سوی مدل‌های غیرایرانی - اسلامی که نتیجه آن دین‌گریزی، طلاق، اعتیاد و از بین رفتن حجب و حیا و... است. لذا روش مقابله در کنترل این کنش‌های جمعی نوپدید استفاده از آینده‌پژوهی، پایش محیطی، رصد فضای مجازی و رصد جمعی است. از ملزومات مقابله با کنش‌های جمعی نرم، آشنا کردن و ارائه آموزش‌های مناسب به کارکنان، کنترل اجتماعات نسبت به این تهدیدات و برخورد مناسب با آن است؛ لذا شیوه‌های کنترل کنش‌های جمعی آینده را می‌توان به راهبرد مقابله با عوامل نوپدید تعبیر کرد.

سازمان‌های متولی تأمین نظم و امنیت عمومی می‌بایست با الهام از دیدگاه امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، با استفاده از هر دو منبع تولید قدرت، یعنی قدرت نرم برگرفته از ارزش‌های انسانی و اسلامی انقلاب اسلامی همچون یک مجاهد مسئول با هوشمندی و به‌هنگام بودن و رأفت در حین قاطعیت و با استفاده از قدرت سخت، ایجاد اقتدار و قاطعیت و قدرت، روش‌های مناسب کنترل کنش‌های جمعی آینده را ایفا نماید.

نتیجه‌گیری

۱. در واقع کلان‌روندها نشان می‌دهد، رقابت بر سر تسلط بر افکار و ذهن مردم مهم‌ترین عامل کنش‌های جمعی آینده خواهد بود و به‌طور مسلم بهترین روش کنترل این کنش‌ها نیز می‌بایست، بر اساس کنترل و نفوذ نرم بر اذهان و افکار مردم شکل گیرد؛ تا بتوان بر دشمن چیره گشت.

۲. راهبردهای نرم در کنترل کنش‌های جمعی در اولویت روش‌های کنترل قرار دارد؛ چراکه مادامی که افکار و اذهان مردم و اقشار مختلف تحت تأثیر دشمنان و یا حریف قرار دارد، مقابله‌های توأم با خشونت و استفاده از قوه قهرآمیز، تنها به‌صورت مسکنی به‌طور موقت شاید بتواند بر بسیاری از این کنش‌ها سرپوش بگذارد. اما ریشه‌های اصلی کنش‌های جمعی به‌خصوص اعتراض‌آمیز را نمی‌تواند کنترل نماید.

۳. در رابطه با کنش‌های جمعی آرام مهم‌ترین وظایف در کنترل آن، استفاده از شیوه‌های مختلف نرم با استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و فضای رسانه‌ای



متناسب به‌منظور جلب اعتماد و بازپروری ذهن کنشگران در راستای منافع نظام خواهد بود.

۴. استفاده از تکنیک‌های مختلف عملیات روانی برای خنثی کردن آن در دشمنان خارجی و فتنه‌گران داخلی، نفوذ مناسب بر ذهن و فکر کنشگران جمعی و استفاده از تمامی ابزارها و فناوری‌های نوین رسانه‌ای به‌منظور اقناع‌گری ذهنی و فکری کنشگران.

۵. درمورد مقابله با کنش‌های جمعی برانداز خشونت‌آمیز، ارائه اقتدار و نمایش قدرت توأم با استفاده از تجهیزات پلیسی غیرکشنده و کنترل‌کننده نظیر انواع سلاح‌های بازدارنده و ابزارهای نوین پلیسی، نقش تعیین‌کننده خواهد داشت.

۶. هوشمندسازی ابزارها و تجهیزات پلیسی به‌منظور کنترل کنش‌های جمعی برانداز بدون حضور فیزیکی پلیس می‌تواند نقش تعیین‌کننده در ایجاد آرامش و هوشمندی ناجا در رویارویی با بحران‌ها داشته باشد.

۷. اعتمادسازی با استفاده از ظرفیت سرمایه جمعی برای جلب مشارکت مردم برای مقابله با هرگونه ناآرامی‌های هدفمند از سوی فتنه‌گران جمعی.

منابع

- امین صارمی، نوذر (۱۳۸۰)، **انحرافات اجتماعی و خرده‌فرهنگی‌های معارض**، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- دلاپورتا، دوناتلا و دیانی، ماریو (۱۳۸۳)، **مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی**، ترجمه محمدتقی دل‌فروز، تهران: کویر.
- رابرت گر، تد (۱۳۸۷)، **چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟**، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) **عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ**، جلد دوم، ترجمه حسن چاوشیان و علی پایا، تهران: طرح نو.
- کرمی، حسن (۱۳۹۶)، **راهبردهای کنترل اغتشاشات، انتشارات تولی**، تهران: یگان‌های ویژه ناجا.
- کلمن، جیمز (۱۳۸۶)، **بنیادهای نظریه کنش**، ترجمه منوچهر صبوری، چ دوم، تهران: نشر نی.
- کوزر، لوئیس، برنارد روزنبرگ (۱۳۸۷)، **نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی**، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- کوئن، بروس (۱۳۸۱)، **مبانی جامعه‌شناسی**، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاعل، تهران: انتشارات سمت.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
- لوبون، گوستاو (۱۳۸۴)، **روان‌شناسی توده‌ها**، ترجمه کیومرث خواجه‌ای‌ها، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- لیتل جان، استیفن (۱۳۸۴)، **نظریه‌های ارتباطات**، ترجمه سید مرتضی نوربخش و سید اکبر میرحسینی، تهران: جنگل.
- مرادی، حجت اله (۱۳۸۹)، **اقناع‌سازی و ارتباطات اجتماعی**، چ دوم، تهران: ساقی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)، **درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی**، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره).
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴) **نظریه کنش ارتباطی**، ترجمه کمال پولادی، تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
- هربرت بلومر (۱۳۸۸)، **کنش متقابل‌گرایی تصادی**، تهران: بهمن پرتا.
- وبر، ماکس (۱۳۸۴)، **اقتصاد و جامعه**، ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران: سمت.
- Akers, Ronald L (1991), Self-control as a general theory of crime. *Journal of Quantitative Criminology*.
- Crescy Cannan and Chris Warren (2003), a community development approach to child and family welfare, London and New York, Taylor & Francis e-Library.
- Coleman, James Samuel. 1990. *Foundations of Social Theory*. Cambridge: Harvard University Press.
- Aronson, E., T. D. Wilson, & M. Ajertm Robin (2001). *Social Psychology*, Pearson International Editon
- Daniela Marzana, Elena Marta, Maura Pozzi, Social action in young adults: Voluntary and political engagement, *Journal of Adolescence*, Volume 35, Issue 3, 2012,
- Richard Grathoff, (1978), **THE THEORY OF SOCIAL ACTION**, INDIANA UNIVERSITY PRESS Bloomington and London
- Margaret Wetherell (2009), *Theorizing Identities and Social Action*, Identity Studies in the Social Sciences, Customer Services Department, Macmillan Distribution Ltd, Houndmills, Basingstoke, Hampshire RG21 6XS, England
- Bugental, D. B. (1998). Parents who see themselves as powerless use excessive force. Annual Convention of the Society for Psychological Study of Social Issue, Ann Arbor, MI.
- N. T. Feather and James W. Newton, (1982), Values, Expectations, and the Prediction of Social Action: An Expectancy-Valence Analysis, *Motivation and Emotion*, Vol. 6, No. 3, 1982



– Michael D. Wiatrowski, David B. Griswold and Mary K. Roberts, (Oct., 1981), *Social Control Theory and Delinquency*, *American Sociological Review*, Vol. 46, No. 5 (Oct., 1981), pp.

– John Wilson,(1977), *Social Protest and Social Control*, *Social Problems*, Vol. 24, No. 4 (Apr., 1977), pp. 469-481

– Stanford M. Lyman,(1995), *Social Movements: Critiques, Concepts, Case-Studies*, MACMILLAN PRESS LTD Houndmills, Basingstoke, Hampshire RG21 2XS and London

– Oberschall, A. 1973 *Social Conflict and Social Movements*. Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice

– Taylor, I., et al. 1973 *the New Criminology*. London: Routledge, Kegan

– JKelman, H. C., & Hamilton, V. L. (1989). *Crimes of obedience: Toward a social psychology of authority and responsibility*. New Haven, CT: Yale University Press.

– Graham Ellison and Greg Martin, (December 2000), *Policing, collective action and social movement theory: the case of the Northern Ireland civil rights campaign*. *British Journal of Sociology* Vol. No. 51 Issue No. 4

– Waddington, P. A. J. 1999 ‘Armed and Unarmed Policing’ in R. I. Mawby (ed.) *Policing Across the World*, London: UCL Press

– Weitzer, R. 1995 *Policing Under Fire: Ethnic Con•ict and Police-Community Relations in Northern Ireland*, Albany: State University of New York Press.

– Tilly, c. *How social movements matter*, university of minnesota press, 1999. Touraine, alain, *an introduction to the study of social movements*, social research,

– Donatella della Porta and Mario Diani,(2006), *Social movements : an introduction*, First edition published 1998 Second edition published 2006 by Blackwell Publishing Ltd

– Kubrin, Charis E & Weitzer, Ronald (2003), «New Dirertions in Social Disorganization Theory», *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 40 No. 4, Pp: 374 – 402.